



درس خارج اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: امارات و ظنون
موضوع جزئی: ۱. ظواهر - اشتراک و افتراق کلام شارع و کلام غیر شارع
سال پانزدهم
تاریخ: ۱۴ اسفند ۱۴۰۲
مصادف با: ۲۳ شعبان ۱۴۴۵
جلسه: ۸۶

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

از بحث ظواهر یک مطلب دیگری باقی مانده که آن را نیز عرض می‌کنیم. تا اینجا نتیجه بحثمان این شد که از میان اقوال پنج گانه مربوط به حجیت ظواهر (پنج یا شش قول) همه اقوال رد شد و تنها یک قول مورد پذیرش قرار گرفت و آن نیز حجیت ظواهر مطلقا بود. یک مطلبی را نیز شیخ انصاری فرمودند درباره ظواهر که در واقع دو مدعا بود که ما هر دو را مورد رسیدگی قرار دادیم. عمده دلیل برای حجیت ظواهر بنای عقلاء بود. عرض کردیم روش عقلاء در تفهیم مقاصد، استفاده از ظواهر و اخذ به ظواهر است، شارع نیز روش دیگری غیر از این روش ابداع نکرده و از همین روش برای تفهیم مقاصد خودش استفاده کرده است و این تأیید و امضای همین روش است و لذا گفتیم ظواهر حجت است و در این جهت فرقی بین کلام شارع و غیر شارع نیست، فرقی بین کتاب و غیر کتاب نیست، ظواهر مطلقا حجت است؛ پس اینکه ظن به وفاق حاصل شود یا نشود فرقی نمی‌کند، اینکه ظن به عدم خلاف پیدا شود یا نشود تأثیری در اعتبار و حجیت ظواهر ندارد.

اشتراک و افتراق کلام شارع و کلام غیر شارع

با این حال در هر کلامی یک ویژگی‌هایی وجود دارد که باید به آن‌ها توجه شود. این ویژگی‌ها اختصاص به کلام شارع ندارد، برخی ویژگی‌ها هم مختص کلام شارع است. به بیان دیگر کلام شارع دو دسته ویژگی دارد:

۱. یک دسته مربوط به کلام خودش است و در مورد کلام عقلاء جریان پیدا نمی‌کند.
۲. یک دسته از ویژگی‌ها مشترک بین کلام شارع و عقلاء است.

اینها هر کدام یک اقتضائاتی دارد، برای اینکه ما بتوانیم به ظواهر کلام شارع بیشتر اشراف پیدا کنیم و بهتر از آنها استفاده کنیم خوب است این دو دسته از ویژگی‌ها را بیان کنیم و احتمالا بعضی نکات مرتبط با این ویژگی‌ها را ذکر کنیم.

اشتراک

آنچه که بین کلام شارع و غیر شارع مشترک است این است که هر دو، سه نوع دلالت دارند:

الف. دلالت تصویری.

ب. دلالت تصدیقیه بر مراد استعمالی.

ج. دلالت تصدیقیه بر مراد جدی.

این سه نوع دلالت هم در سخنان و کلمات عقلاء مشاهده می‌شود و هم در کلمات شارع؛ اعم از قرآن و غیر قرآن، مثل روایات. شما حتما با این سه قسم و سه نوع آشنا هستید.

الف. دلالت تصویری: یعنی دلالت الفاظ بر معنای موضوع له خودشان. اگر یک جمله بگوییم این متشکل از الفاظ و واژه‌هایی است که هر کدام برای یک معنایی وضع شده و دلالت بر همان معنا نیز می‌کند. مثلاً جمله: «امروز هوا ابری است» متشکل از چهار کلمه امروز، هوا، ابری است، می‌باشد، هر کدام از این چهار لغت یک معنایی دارد. این الفاظ برای یک وضع شده‌اند. وقتی آن الفاظ را می‌شنویم معنای آنها به ذهن ما خطور می‌کند. این هم در کلمات شارع است و هم غیر او، الفاظ قرآن و آیات قرآن نیز همینطور است، روایات نیز همینطور است. دلالت تصویری دارای شرایطی است:

۱. دلالت تصویری مبتنی بر وضع لفظ برای معنا است. یعنی تا لفظی برای معنایی وضع نشود این دلالت وجود ندارد، مثلاً کسی یک لفظ مهملی به کار ببرد، این هیچ معنایی ندارد، لذا دلالت بر معنایی نیز ندارد زیرا برای هیچ معنایی وضع نشده است.

۲. شنونده آشنای به وضع باشد، شما الان یک لفظ چینی را که برای یک معنایی وضع شده بشنوید برای شما و بنده دلالتی ندارد زیرا علم به وضع نداریم.

اگر وضع محقق شده باشد و ما علم به وضع داشته باشیم مسلماً دلالت تصویری تحقق پیدا می‌کند. اینجا دیگر فرق نمی‌کند این لفظ از به هم خوردن دو شیء پدید بیاید یا یک بچه آن را بگوید یا کسی که خواب است. کسی که خواب است فریاد بزند کمک، او که متوجه نیست ولی شما از شنیدن این لفظ یک معنایی به ذهنتان خطور پیدا می‌کند این همان دلالت تصویری است.

ب. دلالت تصدیقیه بر مراد استعمالی: مراد استعمالی یعنی دلالت لفظ بر معنایی که آن لفظ در آن استعمال شده است. طبیعتاً وقتی متکلم می‌گوید «اکرم العلماء» غیر از دلالت تصویری اکرم و العلماء بر معنای خودشان، وقتی در یک جمله قرار می‌گیرند و نسبت بین آنها برقرار می‌شود یعنی حکم بین آنها وجود دارد، نسبت بین آنها وجود دارد، ارتباط و اتصال بین این مفردات برقرار شده است. اما این دلالت تصدیقیه بر مراد استعمالی است یعنی آنچه از استعمال لفظ در معنا اراده شده است. این دلالت نیاز به دو امر دارد:

۱. اینکه متکلم و گوینده قصد تفهیم معنای مورد نظر را داشته باشد، غرضش این باشد که یک چیزی را به مخاطب بفهماند، حال اعم از شوخی و جدی، اینجا فرق نمی‌کند متکلم هاذل باشد یا نباشد ولی قصد تفهیم باید وجود داشته باشد، یعنی اگر کسی که خواب است در خواب حرف بزند چون قصد تفهیم معنایی را ندارد، این دلالت تصدیقیه شکل نمی‌گیرد. بنابراین یک شرط مهم برای دلالت تصدیقیه استعمالیه این است که متکلم در مقام تفهیم مراد خود باشد.

۲. قرینه متصلی بر خلاف معنای موضوع له وجود نداشته باشد. مثلاً اگر متکلم بگوید «رایت اسدا» لکن یک قرینه ای کنارش بیاورد و بگوید «رایت اسدا یرمی» اینجا یرمی باعث می‌شود لفظ اسد دلالت بر معنای موضوع له نکند. چون بر خلاف ظاهر معنای موضوع له اسد که حیوان مفترس است یک قرینه آورده که مراد او را مشخص کند که عبارت از رجل شجاع است. اینجا وقتی یرمی در کنار اسد قرار می‌گیرد دیگر دلالت تصدیقیه بر معنای موضوع له اسد محقق نمی‌شود، یعنی دلالت تصدیقیه بر مراد استعمالی شکل نگرفته است، زیرا او منظورش از استعمال لفظ اسد این بوده که این لفظ را در معنای موضوع له استعمال کند. اگر قرینه ای بر خلاف این معنا بیاورد دلالت تصدیقیه استعمالیه شکل می‌گیرد.

پس اینجا نیاز به دو شرط است: یکی اینکه گوینده در مقام تفهیم مراد خودش باشد دیگر اینکه قرینه متصلی بر خلاف معنای موضوع له بیاورد.

ج. دلالت تصدیقیه بر مراد جدی: اینجا وقتی متکلم سخنی را می گوید و لفظی را در یک معنایی استعمال می کند و می خواهد این را به مخاطب بفهماند و قرینه ای هم بر خلاف آن نمی آورد، معلوم می شود همین معنای موضوع له مراد جدی متکلم است. اینجا اراده جدی مطابق با اراده استعمالی است. اما اگر فرض کنید گفت «رایت اسدا یرمی» اینجا یک دلالت تصدیقیه ای بر مراد جدی شکل می گیرد و نشان می دهد این مراد جدی با مراد استعمالی فرق می کند، مراد استعمالی لفظ اسد در معنای حیوان مفترس بود ولی وقتی «یرمی» کنارش می آید نشان می دهد آن معنای استعمالی منظور نیست بلکه مقصود رجل شجاع است، اینجا بین اراده استعمالی و اراده جدی، جدایی حاصل می شود. این دلالت نیز متوقف بر دو شرط است:

۱. متکلم علاوه بر اینکه در مقام تفهیم مراد و مقصود خود است قصد هذل و شوخی نیز نداشته باشد و در مقام بیان مراد جدی خود باشد.

۲. قرینه منفصل بر خلاف معنای موضوع له وجود نداشته باشد، مثلا اگر کسی گفت «اکرم العلماء الا الفاسق»، یک قرینه ای بیاورد متصل در کنار العلماء، اینجا دلالت تصدیقیه بر مراد استعمالی شکل نمی گیرد زیرا شرط دلالت تصدیقیه بر مراد استعمالی این است که قرینه متصل در کار نباشد. اگر این قرینه بیاید در واقع مانع دلالت این لفظ بر اراده استعمالی می شود. حال اگر متصلا قرینه بیاورد بلکه منفصلا قرینه بیاورد اینجا دلالت تصدیقیه بر مراد استعمالی وجود دارد «اکرم العلماء» دلالت می کند بر اینکه لفظ العلماء استعمال شده برای دلالت بر معنای موضوع له خودش که عموم باشد. اما بعدا قرینه منفصل آورد گفت «لا تکرّم الفساق من العلماء»، اینجا دلالت تصدیقیه بر مراد جدی شکل می گیرد، یعنی در واقع این دلالت تصدیقیه بر این استوار می شود و بر این اساس شکل می گیرد که مراد جدی با مراد استعمالی یکسان نیست، مراد استعمالی عام است ولی مراد جدی خاص است، یعنی غیر خاص؛ منظور از العلماء، علمای غیر فاسق است. حال اگر کسی شوخی کند، در مقام شوخی یک لفظی را به کار ببرد، اینجا دلالت تصدیقیه بر مراد جدی شکل نمی گیرد یا قرینه منفصل بیاورد، اینجا دلالت تصدیقیه بر مراد جدی شکل نمی گیرد، بله اگر در مقام شوخی نباشد، قرینه منفصل هم بر خلاف موضوع له بیاورد آنگاه این دلالت تصدیقیه محقق می شود. با این توضیحاتی که بیان شد معلوم می شود گاهی بین مراد جدی و مراد استعمالی تطابق هست و گاهی بین اینها تطابق نیست مراد استعمالی و مرادی جدی بر هم منطبق نیستند.

این اقسام سه گانه از جمله ویژگی های مشترک کلام شارع و غیر شارع است، یعنی هر سخن و کلامی از ناحیه هر گوینده ای دارای این ویژگی های سه گانه است، اعم از آنکه خدا بگوید یا پیامبر بگوید یا ائمه معصومین بگویند یا دانشمندان بگویند یا افراد عادی بگویند. این اقسام سه گانه دلالت در همه کلمات وجود دارد، این مشترک بین کلام عقلاء و غیر آنهاست مشترک بین کلام شارع و عقلاست.

سوال:

استاد: مثل کسی که شوخی می کند، کسی که شوخی می کند دلالت تصدیقیه بر مراد استعمالی دارد سخنش ولی دلالت تصدیقیه بر مراد جدی ندارد آن هم همینطور است. بالاخره او در مقام بیان مقصودش است ولی اشتباه کرده است.

در مقابل یک ویژگی هایی است که تنها در کلام شارع وجود دارد. یعنی این ویژگی ها دیگر در کلام غیر شارع نیست آنها نیز نیاز به یک مقدماتی دارند که بدون ملاحظه آنها نمی توانیم آنگونه که باید و شاید از کلمات شارع استفاده کنیم.

بحث جلسه آینده

در مورد این بخش یعنی این ویژگی های مشترک یک فرضی پیش می آید که این احتیاج به راه حل دارد. اگر ما شک کردیم در مراد استعمالی متکلم اینجا باید چه کنیم؟ ببینید یک وقت مراد استعمالی معلوم است که بحثی ندارد و کلام بر آن دلالت دارد ولی یک وقت مراد استعمالی برای ما مشکوک است، یک وقت مرادی جدی مشکوک است، یک وقت تطابق بین مراد جدی و استعمالی مشکوک است، در این موارد چه باید بکنیم؟ این راه حل ها می تواند خیلی به ما کمک کند.

حال آن ویژگی های مختص کلام شارع را بعدا عرض می کنیم در همین ویژگی هایی که مشترک است اگر ما شک کنیم ما باید چه کنیم و تکلیف چیست؟ اینجا یک راه حل هایی مطرح شده است که انشاء الله در جلسه بعد مطرح خواهیم کرد.

«والحمد لله رب العالمین»